

گام پس از ماشه چیست؟



کیومرث اشتریان

پس از «اسنپ‌بک» گام بعدی آمریکا و اسرائیل این است که ایران در شمول ماده ۴۲ شود تا از این طریق ایران رسماً از سوی شورای امنیت تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌الملل تلقی شود. بدین‌سان، اسرائیل در پی آن است که نه‌تنها آمریکا بلکه دیگران را نیز به جنگ علیه ایران وادار کند. اگر پیش از این «ابهام هسته‌ای» چنین خطری در پی نداشت، اینک دیگر توسل به افزایش غنی‌سازی یا خروج از NPT گام‌برداشتن در چنین راهی‌ست.

تصور شماری از فعالان سیاسی این است که ملاقات پزشکشان با ترامپ می‌توانست در وضعیت خطیر موجود گره‌گشا باشد. این تصور چند مبنأ دارد: یک مبنای مشهور این است که ترامپ شخصی خودشیفته و کاسب است و می‌توان با او کنار آمد. اما با گذشت زمان مشخص شده است این دو ویژگی واجد فرصت روشنی برای هیچ کشوری نبوده و برای ایران نیز نیست. او مایل است ابتدا افراد و کشورها را در ملامت تحقیر کند و قطعاً همین کار را با نماینده ایران خواهد کرد. همچنین تصور بر این است که ترامپ می‌خواهد سازش کند، اما این ایران است که مقاومت می‌کند. مبنای دیگر این فکر آن است که گویی ترامپ همه‌کاره است و ساختار مبارزه قدرت جهانی نقش کمتری دارد. بر این مبنای خدشه جدی وارد است. ملاقات با ترامپ بدون داشتن پشتوانه قوی سیاسی- نظامی نمی‌تواند گره‌گشا باشد. البته مذاکرات کارشناسی در مفهوم کلی آن خط قرمزی نیست که نباید از آن تخطی کرد.

از سوی دیگر، اروپا سه شرط برای جلوگیری از اسنپ‌بک تعیین کرده است: عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، شفافیت درخصوص اورانیوم و مذاکره با آمریکا. سازوکارهای حقوقی دو شرط نخست روشن است، اما شرط سوم از سنخ «متن‌های با پایان باز» است؛ یعنی این شرط، تعلیق به یک امر مبهم است. و این درست همان ابهام یا بی‌صداقتی و فریبی است که در پیشنهاد اروپا وجود دارد؛ چراکه مذاکره با آمریکا واجد هیچ پیشنهاد روشنی نیست. حتی موضوعی هم برای آن تعیین نشده است. آمریکا می‌تواند هر موضوعی را در دستور کار قرار دهد و به مجرد اینکه ایران آن را نپذیرد، بگویند که ایران شرط سوم را نپذیرفته است و لذا اسنپ‌بک اعمال شود. این، خود مکانیسم جدیدی است از سنخ همان اسنپ‌بک کذابی. همواره گفته‌ام که در چنین مواردی ایران نیز باید شرایط خود را به صراحت بیان کند و اگر نقطه مشترکی هم وجود دارد، آن را بیان کند. اینکه بگویم شرط مذاکره، تضمین آمریکا به عدم حمله است، کافی نیست. علی‌لارجانی گفته تقاضای غرب این است که برد موشک‌های ایران باید کمتر از ۵۰۰ کیلومتر باشد. این مطالبه هرچند ظاهراً غیررسمی است، اما یک تهدید جدی است که ایران را بدون دفاع موشکی در تیررس اسرائیل قرار خواهد داد. اسرائیل در پی «رسالت الهی توسعه تا فرات» است. به قول دستیار سابق وزیر دفاع آمریکا، این یک «طرح استراتژیک جامع» است که در پی تضعیف حاکمیت، سرنگونی آن و سپس تقسیم ایران به واحدهای کوچک‌تر است. اینک ایران باید قطع خاورمیانه شده است و لذا باید تخریب شود. ساختاری که در درون آن بازی قدرت شکل گرفته (حداقل از سوی آمریکا و اسرائیل) مبنی بر تضعیف و تخریب ایران است و اگر برآوردها نشان دهد در کوتاه‌مدت می‌تواند با جنگ ایران را از پای درآورند، حتماً این کار را می‌کنند. این «طرح جامع» بسته به اراده ترامپ و نتایجاو نیست، بلکه یک موضوع استراتژیک است؛ هرچند این دو نفر تصادفاً کارگزاران «مناسی» برای چنین فرصت تاریخی هستند. این ساختار بازی هم‌زمان یک ساختار اجتماعی نیز دارد به این مفهوم که جنگ غره نشان داد «جامعه» اسرائیل که درواقع یک پادگان بزرگ است، به‌شدت بیمار است و بخش اعظم آن از کشتار در غزه حمایت می‌کند. در آمریکا نیز یک بدنه اجتماعی مذهبی در حمایت از ترامپ وجود دارد. همه اینها نشان می‌دهد که ترامپ تنها نیست؛ او یک بدنه اجتماعی، یک ساختار قدرت بین‌المللی، یک پیشینه تاریخی- فرهنگی و یک بستر اقتصادی آمریکایی را نمایندگی می‌کند. از این‌رو حل بحران تنها به اراده شخصی ترامپ نیست؛ هرچند بازیگری مهم تلقی شود. این آمریکاست که اهمیت به جلوگیری از تنش‌ها را به سلب سونویم درصد یا حتی صفر هم برساند، باز حتی وعده‌ای سر خرمن از رفع تحریم به او نمی‌دهند. ممکن است بر این باور باشیم که نباید این بحران به اینجا می‌رسید. بله این درست و تأسفار است، اما این پایه استدلالی برای کنش کنونی ما نمی‌شود که «ملاقات» به خودی خود می‌تواند گره بگشاید.

یکشنبه ۶ مهر ۱۴۰۴
۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۷
۲۸ سپتامبر ۲۰۲۵
سال بیست و دوم
شماره ۵۱۱۴
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

«**در «شرق» امروز می‌خوانید:** تسلیت رهبر انقلاب به حدادعادل • رئیس قوه قضائیه: دشمن به هیچ یک از اهدافش نرسیده است • درباره کتاب «امپراتوری» آنتونیو نگری و مایکل هارت

مرگ برج‌ام به‌وقت نیویورک

عبدالرحمن فتح‌اللهی: با رأی منفی دوباره شورای امنیت به قطع‌نامه پیشنهادی روسیه و چین برای تمدید شش‌ماهه مکانیسم ماشه در جلسه روز جمعه، عملاً شمارش معکوس برای بازگشت تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران طی ساعات پیش‌رو آغاز و با مهر رسمی این نهاد بین‌المللی، برج‌ام در هیاهو و غوغاسالاری غربی‌ها دفن شد؛ نکته‌ای که عباس عراقچی هم بر آن صحنه گذاشت. این تحولات نه‌تنها نقطه پایانی بر یکی از مهم‌ترین توقافات هسته‌ای جهان رقم زد، بلکه نشان داد معادلات سیاسی و امنیتی بین‌المللی تا چه اندازه پیچیده و بغرنج است. واکنش سریع تهران با فراخواندن سفرای خود از آلمان، فرانسه و انگلستان نیز بیانگر آغاز فصلی تازه در دیپلماسی هسته‌ای و سیاست خارجی ایران

گزارش «شرق» از بیانیه وزارت بهداشت درباره شروط سقط جنین سندرم داون

افزایش تولد نوزادان با اختلالات کروموزومی

● صفحه ۱۰

یادداشت

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور در سخنرانی ۱۵دقیقه‌ای خود در هشتادمین نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل (UNGA) با تسلط نسبی بر متن سخنرانی، به انتقاد شدید از حملات اسرائیل و آمریکا پرداخت و بر عدم تمایل ایران به سلاح هسته‌ای تأکید کرد. متن این سخنرانی، اخلاقی و حقوقی بود که با استاد به ادیان و اصول انسانی، خواستار جهان بدون خشونت شد.

واکنش‌ها به این سخنرانی در محافل رسمی و غیررسمی و رسانه‌ها متفاوت است. کلیت این واکنش‌ها، نشان‌دهنده نوعی دوقطبی‌سازی است.۱. ستایش از محتوا در میان متحدان ایران ۲. انتقاد از نحوه ارائه در میان منتقدان داخلی و خارجی است. در داخل کشور، برخی محافظه‌کاران با حمایت از سخنرانی، آن را «شجاعانه»، «حماسی» و «اقتدارآمیز» خواندند، اما شماری از حامیان میانه‌رو پزشکشان انتقاد کردند و آن را «منفعل» و فاقد پیشنهادهای عملی برای بهبود روابط بین‌المللی توصیف می‌کنند.

در شبکه‌های اجتماعی مانند X، برخی کاربران ایرانی آن را «واضح و محکم» تلقی و از قاطعیت، اقتدار و صلح‌طلبی پزشکشان ستایش کردند. رسانه‌های خارجی مانند پی‌بی‌اس‌انیز، AP، و الجزیره آن را «انتقادی شدید» از حملات آمریکا و اسرائیل توصیف کردند که به‌رغم اعتمادبه‌نفس و لحن محکمی که داشت، فاقد پیشنهادهای جدید برای مذاکره بود. فاکس‌نیوز بر محکومیت «خیانت دیپلماتیک و تمرکز لحن را «تنه» اما «دفاعی» ارزیابی کرد. نیویورک‌تایمز این سخنرانی را تلاشی برای جلوگیری از تحریم‌های

روزنامه شرق

برخورد: گفت‌وگوی احمد غلامی با مجید برزگر

دست‌های پنهان علیه سینمای ایران



این گفت‌وگو را در صفحه ۶ بخوانید.عکس: سپهرناکی شرق

یادداشت

از تریبون نیویورک تا بازتاب تهران



امیرحسام اسحاقی

استاددانشگاه

بیشتر توصیف کرد که با زبانی آرام اما قاطع، تکرار ادعای عدم تمایل به سلاح هسته‌ای را برجسته می‌کند. اسرائیل سخنرانی را تحریم کرد و آن را «هیپوکرتیک» (ریاکارانه) خواند، درحالی‌که سوریه و ترکیه از بخش‌های ضداسرائیلی آن حمایت کردند. برخی دیگر نیز این سخنرانی را «بدترین سخنرانی تاریخ UN» و «ناهماهنگ» ارزیابی کردند.

واکنش‌ها به لحن، ریتم و ژست سخنرانی پزشکشان در چارچوب سنجه‌های نشانه‌شناسی زبان بدن هم قابل تأمل است. برخی، نحوه راه‌رفتن به سمت تریبون و ایستادن پشت آن و حرکات هدفمند دست با شانه‌های سرراست او را نشان‌دهنده آرامش، اعتمادبه‌نفس و تسلط بر زبان بدن می‌دانند. گرچه حرکات سر و گردن محدود بود، اما گاهی با تأکید بر کلمات، سر را کمی تکان می‌داد؛ با نگاه عمیق و بدون پلک‌زدن زیاد که جدیت را القا می‌کرد، اغلب مستقیم به دوربین و مخاطب خیره می‌شد؛ لیخند

یادداشت

تحریم‌های بی‌اثر و ضرورت بازگشت به دامن عقلانیت

است. در مقابل، گروه دوم هرگز مبنایی محاسباتی برای ادعاهای خود ارائه نمی‌کنند که مثلاً با چه محاسباتی به نسبت ۱۰ درصد یا ۲۰ درصد رسیده‌اند.

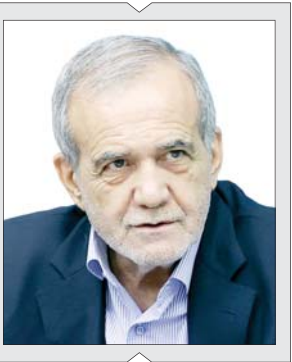
۲. گروه دوم هرگز به این پرسش مهم پاسخی روشن نمی‌دهند که حتی اگر آثار مخرب تحریم را در همان حد ادعایی آنها خلاصه کنیم، در شرایطی که دولتمردان بسیاری از کشورها برای بالابردن سطح رفاه مردم‌شان حتی از فرصت‌های یک و دودرصدی هم نمی‌گذرند، ملت ایران این خسارت ۲۰درصدی را در مقابل چه دستاوردی باید تحمل کند و آیا کسب این دستاورد راه دیگری غیر از تحمل سنگینی تحریم نداشت؟

۳. گروه دوم هرگز به این نکته مهم نپرداخته‌اند که حد مجاز تحمل خسارات تحریم چند درصد است؛ یعنی اگر سهم تحریم در مشکلات کشور به ۳۰ درصد یا بیشتر برسد، آیا آنان تلاش‌هایی از نوع تنش‌زدایی برای رفع تحریم را مجاز خواهند دانست یا باز هم خواهند گفت این سهم زیاد نیست و فقط ۳۰ درصد است؟ ۴. در رقابت‌های انتخاباتی بهار ۱۴۰۰، گروه دوم با ادعای اینکه برای حل تمام مشکلات کشور برنامه دارد و مشکلات نه ناشی از تحریم بلکه ناشی از بی‌فرضگی و بی‌فکری مسئولان است، با جدیت وارد میدان شد. البته زاکانی سه خود یکی از نامزدها بود، عبارت بی‌غیرتی را هم به آنها افزود. به هر تقدیر، دولتی که در اختیار گروه دوم بود، با این ادعا که در زمانی کوتاه همه مشکلات را حل خواهد کرد، سکان اجرایی کشور را در دست گرفت، اما با برنامه هفت هزار صفحه‌ای توانست گره از کار مردم بگشاید. این بود که امپراتوری رسانه‌ای حامی گروه دوم دست به کشفی بدیع زد؛ آواربرداری!

ادعا شد دولت قبلی آن‌قدر کار را خراب کرده که دولت سیزدهم باید ماه‌ها تلاش کند تا این آوار خرابی‌ها را از روی اقتصاد ملی بردارد و تازه آن وقت قادر خواهد بود به وعده‌هایش جامه عمل بپوشاند. باین‌حال، پرشی که بی‌جواب ماند، این بود که مگر در ایام تبلیغات انتخاباتی و دادن وعده حل فوری مشکلات، درکی از این مسئله آوار نداشتند و اصلاً چگونه می‌توان بدون شناخت وضعیت اقتصاد کشور و خرابی‌های ادعایی، هفت هزار صفحه برنامه تهیه کرد؟

شرط پزشکشان برای دیدار با ترامپ

باید همه تحریم‌ها لغو شود



برگزیده‌ها

نخست‌وزیر سابق بریتانیا با حمایت ترامپ می‌خواهد اداره غزه را برعهده بگیرد

قمار تونی بلر

بهارستان نشینان به دنبال بررسی طرح خروج از ان‌بی‌ئی و تغییر دکتربن هسته‌ای مجلسیان در مسیر تقابل؟

گزارش «شرق» از اوضاع سرخابی‌ها و امیدی که هر هفته رنگ می‌بازد

پارازیت روی اعصاب هواداران

۵۱۸ مژدی مالیاتی انتخاب کرده‌اند که مالیات آنها صرف تکمیل ساخت بیمارستان رازی قائمشهر مازندران شود

گزارش «شرق» از اقدام ایران برای فراخواندن سفرای خود از سه کشور اروپایی

پل‌های نیمه‌سوخته تهران و اروپا

نگاه

نان روزانه؛ قوت لایموت یا کالای گیفن

یادداشتی از بویا نعمت‌اللهی

یادداشت

گردشگری؛ روایت صلح امنیت و دوستی



روزبه کردونی

سیاست‌پژوه

روز جهانی گردشگری فرصتی است برای بازاندیشی در معنای سفر، سفر فقط جابه‌جایی در مکان نیست؛ سفری است در جان و اندیشه انسان. هنگامی که از «گردشگری و تحول پایدار» سخن می‌گوییم، درحقیقت به این اندیشه بازمی‌گردیم که سفر می‌تواند فراتر از تجربه‌ای مصرفی، به تجربه‌ای وجودی بدل شود؛ تجربه‌ای که نگاه ما را به جهان و به خودمان دگرگون می‌کند.

در ادبیات گردشگری، مقصد‌ها همچون موجودات زنده‌اند؛ زاده می‌شوند، رشد می‌کنند، گاه فرسوده می‌شوند و اگر مراقبت نشوند، از رونق می‌افتند. این خرجه هشدار می‌دهد که اگر تنها بر کمیت گردشگران متمرکز شویم، اصالت مقصد و معناهای فرهنگی آن از میان خواهد رفت. اما زمانی که گردشگری بر پایه مشارکت مردم و صیانت از میراث شکل گیرد، سفر از سطح «دیدن» به سطح «زیستن» ارتقا می‌یابد. این همان چیزی است که می‌توان آن را «زرف‌ترشدن تجربه انسانی» نامید؛ مواجهه با دیگری، با ناشناخته، با زیبایی‌ها و حتی دشواری‌های جهان. ایران، سرزمینی پر از رمز و راز، ظرفیتی دارد که می‌تواند گردشگری را به پلی برای صلح و امنیت بدل کند. در این سرزمین، از ماسوله تا اورامانات، از کویر لوت تا خلیج فارس، هر سفر چیزی فراتر از بازدید است؛ روایتی است از فرهنگ و زندگی، خانواده‌ای که در خانه‌ای محلی از مسافران پذیرایی می‌کند، تنها میزبان یک شب نیست؛ بلکه خاطره‌ای می‌آفریند که در ذهن گردشگر باقی می‌ماند و به بخشی از روایت ایران در جهان بدل می‌شود. گردشگری، در این معنا، جهانی است برای روایت‌سازی و خاطره‌سازی و همین روایت‌ها هستند که چهره یک ملت را در ذهن جهانیان می‌سازند.